

وظایف، کارکردها و چالش‌های پیش‌روی صندوق بین‌المللی پول و چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران با آن^۱

لیلا آقامیرکلایی^۲

چکیده

صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین موسسات وابسته به سازمان ملل متحد، مسئولیت تنظیم نظام پولی و مالی جهانی را برعهده دارد. اگرچه غالب اخبار انتشاریافته از فعالیت‌های این موسسه ناظر بر آرایه کمک‌های مالی به کشورهای مواجه با بحران مشروط به انجام برنامه اصلاحات اقتصادی است، لیکن این موسسه مشاوره‌های فنی و راهبردی نیز به اعضای خود آرایه می‌دهد که حداقل به لحاظ پوشش و گستردگی، به مراتب مهم‌تر از ایفای نقش تامین‌مالی کننده است. در این مقاله سعی شده پس از آرایه چارچوب وظایف و ساختار مدیریتی صندوق، چگونگی

۱ - مطالب مطرح شده در این مقاله نقطه نظریات نویسنده بوده و لزوماً انعکاس دهنده مواضع رسمی بانک مرکزی نیست.

۲ - محقق اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

روابط جمهوری اسلامی ایران با آن به طور اجمالی مورد اشاره قرار گیرد. فرضیه اصلی آن است که حضور فعال و پویا در سازمان‌های معتبر بین‌المللی پیش‌شرط تاثیرگذاری بر روند شکل‌گیری روابط اقتصاد جهانی و تحولات آتی آن است. حال که اقتصاد ایران یک کرسی از ۲۴ کرسی هیات اجرایی صندوق را در اختیار دارد، باید این فرصت را ارج بگذارد و در جهت تقویت نقش‌آفرینی در تحولات نظام مالی بین‌المللی حرکت نمود. علی‌الخصوص آن که حداقل در سه دهه اخیر ایران هیچ‌گاه متقاضی استفاده از تسهیلات مالی صندوق بین‌المللی پول نبوده و لذا هرگز در معرض شروط خاص یا رفتارهای سیاستی دیکته شده قرار نگرفته است. توصیه‌های صندوق به ایران نیز ناظر بر برخی جهت‌گیری‌های اصلاح ساختاری است که نوعاً طالبی عام و مورد اجماع نسبی در داخل است. بنابراین می‌توان همکاری ایران با صندوق بین‌المللی پول را الگویی موفق از حضور موثر در عرصه موسسات بین‌المللی دانست.

واژگان کلیدی: جهان، نظام پولی و مالی بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، هیات اجرایی صندوق.

۱- مقدمه

دهه ۱۹۴۰ را می‌باید عصر شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی نام نهاد. در حقیقت بشر در خلال روند تکامل حیات جمعی خود در مقطع مذکور به این نتیجه رسید که تکروی و یک‌جانبه‌گرایی با هدف دستیابی به حداکثر رفاه و استانداردهای فراگیر زندگی منافات دارد. بدین لحاظ غالب کشورها پس از جنگ جهانی دوم به این اجماع رسیدند که با بنیان‌گذاری نهادهایی، امور خود در سطح جهان را سامان بخشند و نظم نوینی

تعریف نمایند. اگرچه این اجماع محدود به امور اقتصادی نبود^۱، لیکن بیشترین تلاش‌ها معطوف به این عرصه شد. تاسیس دو نهاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دستاورد همین تلاش‌ها بود. اگرچه نمی‌توان انکار نمود که نیاز به سازمان‌های بین‌المللی برای تدبیر مناسب امور بین‌کشوری و حل و فصل اختلافات اقتصادی فیما بین چنان پایدار بود که بعدها سبب شکل‌گیری گات و سپس تحول آن به سازمان جهانی تجارت نیز شد.

علیرغم وجود سازمان‌های متعدد فعال در حوزه اقتصاد بین‌الملل و قابلیت‌های قابل توجه آنها در شکل‌دهی فضای اقتصاد جهانی، باید اذعان نمود اقتصاد ایران در زمینه ارتباط با این سازمان‌ها و حضور در میان بازیگران اصلی تا حد زیادی منفعل بوده است؛ ایران فاقد کرسی در هیئت مدیره بانک جهانی^۲ است، در سازمان آنکتاد^۳ حضور فعالی ندارد، از جمله معدود کشورهایی است که تاکنون به عضویت سازمان جهانی تجارت^۴ درنیامده، در سازمان جهانی کار^۵، فائو^۶ و دیگر موسسات عمده‌ای ناظر نیز نقش چندانی ایفا ننموده‌اند. تنها سازمان اقتصادی که ایران مستقیماً در میان اعضای اصلی

۱ - سازمان ملل متحد به لحاظ ساختاری از شش رکن (هیئت امناء، شورای امنیت، مجمع عمومی، مجمع اقتصادی و اجتماعی، دادگاه بین‌المللی و دبیرخانه) تشکیل شده است. علاوه بر کمیسیون‌های متعدد ذیل مجمع اقتصادی و اجتماعی، این مجمع شامل کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD)، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، مرکز تجارت بین‌الملل (ITC)، برنامه زیست‌محیطی ملل متحد (UNEP)، برنامه غذای جهانی (WFP)، صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) و نهادهای مشابه را تحت کنترل دارد. ضمن آن که سازمان جهانی تجارت نیز مرتبط با سازمان ملل متحد تلقی می‌شود.

۲ - World Bank

۳ - United Nations Conference on Trade and Development

۴ - World Trade Organization

۵ - International Labor Organization

۶ - Food and Agriculture Organization of United Nations

آن نماینده عضو در هیئت مدیره دارد، صندوق بین‌المللی پول^۱ است. این در حالی است که به جز مشاوره‌های فنی و دوره‌های آموزشی، کشور حداقل در سال‌های پس از انقلاب متقاضی استفاده از هیچیک از امکانات مالی صندوق نبوده است. بدین لحاظ این مقاله طی شش بخش و با مفروض قرار دادن اهمیت حفظ روابط و کسب جایگاه مقتضی در موسسات معتبر بین‌المللی، سعی دارد نوع و سطح روابط کشور را با این موسسه تبیین نماید و از این رهگذر به پاسخ برخی اتهامات و ایضاح شبهات مطروحه بپردازد.

۲- لزوم حضور در سازمان‌های بین‌المللی

مقوله هم‌پیوندی^۲ با اقتصاد جهانی^۳ و حضور موثر و فعال در سازمان‌ها و موسسات بین‌المللی در شرایط کنونی نظام اقتصاد بین‌الملل نه یک گزینه در میان چندین بدیل، که به نوعی انتخاب گریزناپذیر و محتوم است. فارغ از دیدگاه‌های هنجاری^۴، آنچه که پیرامون اقتصاد ایران جریان دارد همگرایی سریع اقتصادهای منطقه‌ای حول محور اقتصاد جهانی و ایجاد حلقه‌های ارتباطی جدید و موثر به منظور بهره‌مندی از فرصت‌های نوین و نقش‌آفرینی قوی در میان تصمیم‌سازان کلیدی است. درحقیقت فعالیت در عرصه پر رقابت جهانی یکی از مهم‌ترین رخدادهای و چالش‌های روز سیاستمداران و سیاست‌گذاران کشورها بوده و بستر شکل‌دهنده بسیاری از تغییر و تحولات تلقی می‌شود. خارج از دیدگاه‌های افراطی مثبت و منفی، حضور در اقتصاد جهانی و در میان تصمیم‌سازان عمده و شکل‌دهندگان به تحولات آتی جهان، نیازی است حقیقی، غیرقابل انکار و غیرقابل گریز. الزام عقلانی این حضور ناشی از رخدادهای

۱ - International Monetary Fund

۲ - integration

۳ - global economy

۴ - normative

جدید نیست؛ بلکه همان روند آشنا و معقول بهینه‌سازی و تکامل‌گرایی سیر پویای جامع بشری است که رشد میادلات و تعاملات سیاسی و اقتصادی فرم ظاهریش را تغییر داده و سرعتش را دوچندان نموده است.

در حوزه اقتصاد کلان داخلی، هم‌پیوندی مستلزم و مقارن کاهش بسیاری از کنترل‌های اداری، مدیریت‌های استصوابی و تخصیص‌های غیربازاری است. همگرایی تسهیلات تولیدی و فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد جهت حفظ دامنه رقابت‌پذیری خارجی، مینا قراردادن استانداردها و معیارهای پذیرفته شده جهانی و البته تسهیل فعالیت بازارهای کالا و مالی از دیگر دستاوردهای این فرآیند است. رشد سریع دانش فنی، فضای جدیدی برای گسترش فعالیت دست‌اندرکاران تجارت خارجی، تشدید جریان‌های سرمایه و مالی بین مرزها، مهاجرت نخبگان و جابجایی کارگران فکری^۱ و گسترش امکان تبادل اطلاعات و مطرح شدن آن به عنوان یکی از مبانی اصلی اقتصاد، صنعت و تجارت فراهم کرده است.

اینکه ایران از روند حاکم بر اقتصاد جهانی چگونه منتفع شود، یا در مقابل منافع و فرصت‌های خود را از دست دهد، تا حد زیادی به واقع‌بینی، قدرت تجزیه و تحلیل صحیح وقایع، قابلیت تاثیرگذاری بر روند آتی رویدادها و متغیرها و بالاخره اعمال مدیریت صحیح بر شرایط بستگی دارد. جریان عمومی حاکم بر جهان فرصت‌ها یا قابلیت‌های خاص کسب انتفاع یا مزیت را می‌آفریند و در مقابل برخی از شیوه‌ها یا

۱- واژه کارگران فکری که در این مقاله معادل *knowledge workers* به کار گرفته شده، دلالت بر ویژگی خاص نسل جدید مهاجرت نیروی انسانی دارد. بر اساس مجموعه آمار و شواهد، سهم عمده نیروی انسانی جابجا شونده در دهه‌های اخیر را نیروی کار تحصیل‌کرده و متخصص تشکیل می‌دهد که در حرفه خود یک مغز متفکر و نوآفرین تلقی می‌شوند.

رویکردهای مورد استفاده را از حیز انتفاع و تاثیرگذاری خارج می‌کند. دورماندن از صحنه شطرنج اقتصاد جهانی مشکلی را حل نمی‌کند؛ باید در میان بازیگران اصلی حضور داشت و در پی‌ریزی قواعد بازی نقش فعال ایفا نمود. بیم زیان یا احساس فقد آمادگی لازم برای مواجهه با این واقعیت، تنها زمان را از مسئولین کشور سلب می‌کند. در حالیکه حضور مرحله‌ای و تدریجی، به شناخت قواعد بازی و کسب شایستگی‌های لازم طی زمان کمک بسیار می‌کند. اگرچه در این فرآیند بخشی از قدرت انحصاری دستگاه‌های سیاست‌گذار در تنظیم قواعد رفتاری بخش‌های اقتصادی به سازمان‌های بین‌المللی متناظر انتقال می‌یابد، لیکن نباید فراموش نمود که در شرایط کنونی این شیوه تنها شرط بقاست؛ تنها در این صورت است که تهدیدها (اعم از داخلی یا خارجی) به حداقل رسیده و فرصت‌های جذابی در دسترس قرار خواهد گرفت. تاخیر در هم پیوندی به معنای تداوم دورماندن از قطب‌های رشد صنعت و تکنولوژی و در مقابل، پذیرش فقر نسبی و بیکاری بالاتر از متوسط جهانی است.

در میان سازمان‌های متعدد بین‌المللی دست‌اندرکار تنظیم اجزا و مولفه‌های اقتصاد جهانی (اعم از سازمان خواربار جهانی، کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و صندوق بین‌المللی پول) می‌توان ادعا نمود غیر از مورد آخر، کشور حضور فعال و معنی‌داری در دیگر سازمان‌ها و عرصه‌ها ندارد. در حقیقت اقتصاد ایران تنها در عرصه پولی و مالی جهان از یک سخنگوی مستقیم برخوردار است و بدین لحاظ عقلانی نیست که این تنها کرسی تاثیرگذار نیز بنا بر برخی اظهارنظرهای احساسی و استدلال‌های خارج از دایره تدبیر و مصلحت از دست برود. شاید اگر چارچوب کاری و نوع نقش‌آفرینی این نهادها برای آحاد جامعه به دقت تبیین شود و نگرشی منطبق بر حقایق حاصل آید، بتوان به درجه

بیشتری از اتفاق آرا دست یافت. بدین لحاظ بحث بر سر این موضوع را با معرفی صندوق بین‌المللی پول و وجوه سه‌گانه کارکردی آن آغاز کرده و سپس به شناسایی ساختار مدیریت عالی آن می‌پردازیم.

۳- معرفی صندوق بین‌المللی پول

با پایان دوره «برتن‌وودز» و رویکرد گسترده غالب دولتها به ترتیبات ارزی شناور، حفظ سلامت نظام مالی بین‌المللی و کنترل استحکام سیاست‌های ارزی کشورها به نحوی که سیاست‌های داخلی مانع ارتقای کارکردی نظام پولی جهان نشود، دشوارتر شد. با افزایش تعداد و گسترش دامنه اعضای صندوق علی‌الخصوص پس از فروپاشی بلوک برنامه‌ریزی متمرکز، صندوق تمرکز بر رفع موانع نهادی و ساختاری پیش روی کشورها را افزایش داده و ثبات و رشد جهانی را با تاکید افزون‌تری دنبال نمود. همزمان، نیاز به طراحی مکانیزم‌های جدید و بیافتن منابع نوین تامین مالی و اعطای تسهیلات به کشورهای دچار بحران افزایش یافت. همه این مسایل سبب شد صندوق بین‌المللی پول با حوزه وسیع‌تری از وظایف و فعالیت‌های سنگین‌تری مواجه شود.

صندوق بین‌المللی پول به عنوان چارچوب مرکزی همکاری کشورها برای ارتقای سلامت اقتصاد جهانی و انسجام‌بخشی به سیستم پولی بین‌المللی^۱ از سال ۱۹۴۵ شروع به فعالیت نموده و هم اکنون با ۱۶۳ عضو، واجد سه خصوصیت ویژه است؛ نخست مرکزیت بررسی و شناسایی آثار جانبی سیاست‌های اقتصادی کشورها بر یکدیگر و

۱- عبارت international monetary system به مفهوم سیستم پرداخت‌های بین‌المللی و نرخ‌های ارز است که سنگ بنای شکل‌گیری داد و ستد و تجارت میان کشورها تلقی می‌شود.

حصول همکاری‌های چندجانبه در این خصوص^۱؛ دوم کمک به کشورها جهت پشت سر نهادن دوره گذار از تبعات شکست در سیاست‌گذاری و اشتباه در تدوین مقررات داخلی و برقراری سیاست‌های باثبات و شرایط مستحکم مالی و بالاخره تسکین آثار عدم تعادل در ترازپرداخت‌های خارجی و کنترل آثار داخلی و سرایتی بحران در این بخش. البته در کنار این امور، صندوق وظیفه کمک‌رسانی به مبارزه جهانی با فقر را نیز برای خود قایل است. بنابراین کارکرد عام صندوق بین‌المللی پول را می‌باید در "جلوگیری از بحران" از طریق تشویق کشورها به استفاده از سیاست‌های صحیح و مناسب اقتصادی و عنداللزوم، تامین مالی موقت کشورهای درگیر در مسایل بخش خارجی خلاصه نمود.

اهداف و الزامات قانونی صندوق مشتمل بر بسط متوازن تجارت جهانی، ثبات نرخهای ارز در چهارچوب مطلوب، اجتناب کشورها از تنزل مصنوعی ارزش پول داخلی به منظور حفظ دامنه رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، و بالاخره اصلاح و تنظیم ترازپرداخت‌های خارجی است. برای انجام این اهداف، صندوق سه برنامه تحقیق و

ژوئیه ۱۳۸۵

ژوئیه ۱۳۸۵

۱- لزوم برعهده‌گرفتن چنین نقشی ناظر بر سیاست‌های موسوم به گدا کردن همسایه (beggarly neighbors) بود که در دهه ۱۹۳۰ میان کشورها بسیار رواج داشت. لذا در مقطع شکل‌گیری صندوق لازم بود یکجانبه‌گرایی در سیاست‌گذاری محکوم و طرد شود. هرچند که به دلیل وقوع سلسله بحران‌های مالی و ارزی دهه ۱۹۹۰، عبارت جدید اثر سرایتی (contagion effect) در ادبیات اقتصادی شکل گرفت که تا حد زیادی ناشی از شدت گرفتن میزان تعاملات و وابستگی‌های متقابل اقتصادها به یکدیگر بوده و بر لزوم توجه ویژه به آثار غیرمستقیم راهبردهای کشوری و داخلی بر همسایگان و طرف‌های عمده تجاری پافشاری می‌کند. در ادامه مقاله به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

نظارت^۱ (موسوم به "نظارت مستمر اقتصادی و توصیه‌های سیاستی"^۲)، مساعدت مالی^۳ و مساعدت فنی^۴ را به اجرا می‌گذارد.

۳-۱- ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد کشورها

هدف اصلی برنامه نظارت چندجانبه، کمک به سلامت اقتصاد جهانی، ارزیابی ثبات بازارهای مالی بین‌المللی و تدوین گزارش ثبات مالی جهان و البته آماده‌سازی کتاب و مرجع مهم *World Economic Outlook* است که دوبار در سال (ماه‌های آوریل و سپتامبر) منتشر می‌شود. این مهم از طریق دنبال نمودن آخرین تحولات عملکرد اقتصادی^۵ و مالی کشورها و نیز نوع سیاست‌گذاری‌های^۶ به عمل آمده هم در

۱ - Surveillance & Research

۲ - "Economic Monitoring and Policy Advice"

۳ - Financial Assistance

۴ - Technical Assistance

۵ - مهمترین متغیرهای مورد توجه صندوق مخارج کل و برخی اجزای آن نظیر مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری شرکتها، تولید، اشتغال و تورم و علی‌الخصوص ترازپرداخت‌های خارجی با کلیه اجزا و عناصر متشکله آن است. به دلیل کثرت وقوع بحران‌های مالی و ارزی در دهه ۱۹۹۰ و خصوصیت سلسله‌واری یا سرایتی آنها، هم اکنون کلیه نهاد‌های مالی بین‌المللی (نظیر بانک جهانی، بانک تسویه بین‌المللی و صندوق بین‌المللی پول) و حتی منطقه‌ای (نظیر OECD و بانک مرکزی اروپا) تلاش دارند ضمن هماهنگی با یکدیگر مجموعه‌ای از استانداردها و ضوابط متحدالشکل را برای شیوه‌های جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تدوین آمارهای بخش خارجی اقتصاد (شامل جداول ذخایر، بدهی‌ها و تمهیدات خارجی وزیربخش‌های معمول ترازپرداخت‌ها) تنظیم کرده و به عنوان استاندارد عمومی اشتهادهند.

۶ - در تجزیه و تحلیل‌های سیاستی، سیاست‌های اقتصاد کلان (شامل رویه‌های بودجه‌ریزی، مدیریت پول و اعتبار و نرخ ارز) و سیاست‌های بخش مالی (شامل تدوین مقررات و نظارت بر بانکها و موسسات مالی غیربانکی) مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر آن صندوق در غالب کشورها سیاست‌های ساختاری که بر عملکرد اقتصاد کلان موثرند (نظیر سیاست‌های بازار کار که مستقیماً رفتار نرخ اشتغال و سطح دستمزدها را تغییر می‌دهد) را بررسی می‌کند. در نتیجه صندوق می‌تواند به کشورها توصیه‌های راهبردی به منظور تعقیب بهتر و موثرتر اهدافی نظیر نرخ اشتغال بالا، تورم نازل و رشد پایدار اقتصادی ارائه دهد. اهمیت رشد پایدار برای صندوق ناظر بر عدم مواجهه اقتصاد با تورم بالا و عدم تعادل ترازپرداخت‌هاست.

سطح کشورها و هم در سطح جهانی صورت می‌گیرد که بالطبع، منجر به طراحی توصیه‌های سیاستی خاصی برای کشورها یا مناطق اقتصادی می‌شود. این توصیه‌ها تجربه بیش از ۵۰ سال مطالعات صندوق را پشت‌سر دارد.

نظارت صندوق در سه سطح کشوری، منطقه‌ای^۱ و جهانی^۲ انجام می‌شود. فی‌المثل در گزارش سال ۲۰۰۰، هیات اجرایی صندوق به سیاست‌گذاران ارشد ژاپن توصیه کرده که از طریق پایین نگه‌داشتن نرخ‌های بهره نرخ رشد اقتصادی را افزایش دهند؛ از تجدیدساختار شرکتها و بانکها حمایت نموده و با مقررات‌زدایی بر میزان رقابت در این اقتصاد بیافزایند. بر همین منوال، از مقامات مکزیک خواسته شد در مدیریت اقتصاد کلان، معیارهای احتیاطی را مدنظر قرار دهند؛ بتدریج بسوی رژیم پولی مبتنی بر هدف‌گذاری تورم حرکت کنند و مراقب کی‌فیت پرتفوی خود باشند. در بهار ۲۰۰۱، نشریه *World Economic Outlook* نسبت به ریسکهای تنزل نرخ رشد اقتصاد جهانی و نیاز به رهیافت سیاستی پیش‌نگرانه^۳ به منظور حمایت از تقاضا و اصلاحات ساختاری رشدگرا^۴ تذکر داد.

صندوق بین‌المللی پول در راستای انجام وظایف خود به ویژه نظارت و استفاده مناسب از منابع، همه ساله اطلاعات بهنگامی از عملکرد متغیرهای اصلی اقتصادی و جهت‌گیری‌های سیاستی کشورهای عضو جمع‌آوری می‌نماید و توصیه‌های مشورتی

۱ - در سطح منطقه‌ای، گزارش صندوق معمولاً در قالب حوزه یورو، کشورهای گروه هفت (۷ کشور بزرگ صنعتی)، اتحادیه پولی و اقتصادی غرب آفریقا، جامعه پولی و اقتصادی آفریقای مرکزی، اتحادیه پولی کاراییب و نظایر آن تنظیم و ارائه می‌شود.

۲ - در قالب انتشار *World Economic Outlook* که دوبار در سال منتشر می‌شود.

۳ - proactive

۴ - growth-oriented

خاصی را نیز در اختیار تصمیم‌گیران ارشد کشورها قرار می‌دهد. این توصیه‌ها علاوه بر تحلیل شرایط کنونی اقتصاد کشور و پیش‌بینی افق میان مدت آتی آن، ناظر بر نتایج محاسبه برخی شاخص‌هاست که دید و نگرش خاصی نسبت به صحت عملکرد اقتصاد و بخشهای آن با توجه به استانداردهای بین‌المللی و نیز تجارب دیگر کشورها ارایه کرده و بدین لحاظ ارزشمند تلقی می‌شود. در واقع کارشناسان ارشد نهادهای بین‌المللی به واسطه دنبال نمودن مستمر وقایع کشورها، از سطحی از دانش تجمعی و کاربردی برخوردارند که فی‌نفسه می‌تواند مبنای برخی اعلام خطرها یا اشاره به انحراف از مسیر باثبات و قابل دوام در بلندمدت برای یک بخش یا حوزه فعالیت خاص در کشور مورد بررسی باشد.

مشاوره‌های صندوق بین‌المللی پول عموماً در سه طبقه قرار می‌گیرد: منظم و ادواری؛ خاص و مورد آخر تکمیلی. انجام کلیه مشاوره‌های مذکور تحت ماده ۴ اساسنامه صندوق الزامی می‌باشد. در واقع مشاوره ماده ۴ شامل بررسی‌های مرتب و به لحاظ فواصل زمانی قاعده‌مندی است که مقامات کشورهای عضو و کارشناسان صندوق در کلیه جنبه‌های سیاستی و عملکردی به عمل می‌آورند و نهایتاً اطلاعات حاصله مبنای مباحثات مدیران اجرایی صندوق در مورد سیاست‌های اعضا قرار می‌گیرد.

گزارش تهیه شده توسط کارشناسان صندوق از آمار و اطلاعات و عملکرد اعضا، ارایه دهنده تصویری نسبتاً جامع و منسجم از اوضاع کلان اقتصادی کشورهای مذکور است و با نگرش حفظ و یا اعاده تعادل حساب‌های مالی داخلی و خارجی تنظیم می‌شود. هیات اعزامی صندوق معمولاً دو مرحله کاری را در کشور مورد بررسی می‌گذرانند، نخست دریافت آمار و اطلاعات، بررسی متدلوژی مورد استفاده در تنظیم جداول و حوزه شمول و سطح پوشش در سنجش متغیرها و البته سازگاری درونی ارقام

و اطلاعات با یکدیگر و با استانداردهای شناخته شده و دستورالعمل‌های بین‌المللی؛ دوم بحث با کارشناسان و مقامات سیاست‌گذار و ارشد کشور مذکور در خصوص آخرین تحولات سیاستی، مقرراتی و قانونی به منظور درک بیشتر روند تحولات گذشته و آرایه پیش‌بینی‌های کوتاه و میان مدت از تغییرات پیش‌رو. مجموعه این اطلاعات توأم با رجوع به تجارب دیگر کشورها، به تدوین توصیه‌های سیاستی می‌انجامد که مبتنی بر آخرین دستاوردهای اطلاعاتی و سیاستی در تدوین مقررات و یا طراحی ابزارها بوده و در غالب موارد در دیگر کشورها آزمون شده است. نیازی به ذکر نیست که گستره و دامنه اطلاع کارشناسان صندوق در این حوزه بیش از هر نهاد یا سازمان منفرد دیگری است.

برخی مواد اساسنامه اعضا را ملزم می‌کند در تلاش‌های صندوق برای ارتقای ثبات نظام‌های ارزی مشارکت کنند. علاوه بر آن اعضا موافقت کرده‌اند که رشد اقتصادی توأم با ثبات قابل قبول سطح قیمت‌ها را دنبال کرده، شرایط مالی و اقتصادی خود را تقویت نموده و از دستکاری نرخ ارز برای کسب دامنه رقابت‌پذیری غیرواقعی برای اقتصاد خود پرهیز کنند. لذا پذیرش این هیاتها و همکاری شفاف با آنها در زمره مواد مورد اجماع اعضاست.

۳-۲- اعطای تسهیلات

بخش عمده مساعدت‌های مالی صندوق را برنامه‌های اعطای وام به کشورهای دچار عدم توازن تراز پرداخت‌ها تشکیل می‌دهد. البته کمک‌های صندوق محدود به تامین مالی موقت جهت خروج از بحران نمی‌شود، بلکه حمایت از سیاست‌های تعدیلی و اصلاحی جهت مقابله با علت اصلی را نیز دربرمی‌گیرد. مثلاً در خلال بحران ۱۹۹۸-۱۹۹۷ جنوب شرق آسیا صندوق طی مدت کوتاهی حدود ۲۱ میلیارد دلار به کره

جنوبی پرداخت کرد تا ذخایر خود را تقویت نماید، بخش مالی و شرکت‌های خود را تجدید ساختار کرده و از رکود خارج شود. طی چهار سال اقتصاد کره به میزانی بهبود یافت که علاوه بر تامین ذخایر مورد نیاز، شروع به بازپرداخت تعهدات خود نیز نمود.

برای آن که یک کشور واجد دریافت وام از صندوق باشد، لازم است ارزیابی‌های صندوق نشان دهد کشور به لحاظ شرایط اقتصادی در وضعیت بحرانی یا نزدیک بحران است؛ پول ملی در معرض حملات سفته‌بازان بین‌المللی قرار دارد؛ ذخایرش تهی شده و اقتصاد در وضعیت رکودی یا سقوط است. برنامه بازگشت این اقتصاد به شرایط عادی و رشد پایدار اقتصادی معمولاً ترکیبی از سیاست‌های تعدیلی و کمک‌های مالی خصوصی - دولتی است. معمولاً صندوق و مقامات کشور دچار بحران، روی برنامه تعدیلات اقتصادی مشتمل بر اهداف کمی خاص برای بقای بخش خارجی، ثبات پولی و مالی و رشد پایدار اقتصادی به توافق می‌رسند. علیرغم مشروط بودن اعطای کمک مالی به انجام این برنامه، پرداخت‌های صندوق تا حدی انعطاف‌پذیر است؛ به نحوی که چنانچه به هردلیلی شرایط کشور یا وضعیت اقتصاد جهانی تغییر کند کل برنامه قابل بازبینی و ارزیابی مجدد باشد.

صندوق طیفی از وام‌ها یا تسهیلات را براساس نیاز عضو متقاضی ارایه می‌کند. طول دوره، شرایط بازپرداخت و شرایط وام‌دهی متغیر بوده و حسب عامل اصلی دخیل در بحران و شرایط ترازپرداخت‌های کشور مورد بررسی تعیین می‌شود.^۱

هم اکنون تنها متقاضیان استفاده از تسهیلات صندوق را کشورهای درحال توسعه، اقتصادهای نوظهور دچار بحران و یا اقتصادهای درحال گذر تشکیل می‌دهند.

۱- جهت اطلاع از تفصیل برنامه‌های تسهیلات مالی صندوق به ضمیمه یک مراجعه شود.

غالب این کشورها به دلیل مشکلات داخلی خود دسترسی محدودی به بازارهای بین‌المللی سرمایه و پول دارند و لذا استفاده از منابع صندوق برای این دسته از کشورها اولویت خاصی دارد.

یکی از مهمترین نکات مورد چالش در خصوص استفاده از وام‌های صندوق، مشروط بودن آنهاست، کشور متقاضی باید سیاست‌های اقتصادی خود را به نحوی تعدیل و انطباق دهد که ساختار ترازپرداخت‌هایش طی زمان اصلاح شده و این برنامه اصلاحی باید مورد توافق صندوق نیز باشد. مشروط بودن اعطای وام در جهت اخذ تضمین از کشور بدهکار مبنی بر عدم تعویق انتخاب‌های سیاستی دشوار یا تجمیع بدهی‌های خارجی است. در مقابل تسهیلات مذکور، کشور مورد نظر می‌باید با تعمیق اصلاحات اقتصادی و بهبود عملکرد، قدرت بازپرداخت تعهدات خود را بازیابد. بهر حال پیش از هر نوع پرداختی مقامات کشور متقاضی و صندوق می‌باید بر اقدامات سیاستی مورد نظر به توافق برسند. پس از آن، پرداخت وجوه در چند مرحله و متناسب با زمان‌بندی تعهدات سیاستی پذیرفته شده صورت می‌گیرد. در جهت این انتقاد، صندوق در سال‌های ۱-۲۰۰۰ با هدف ساده و موثرسازی شرایط، اقدام به بازنگری در فرآیند اعطای تسهیلات خود نمود. هم‌اکنون شروط مطرح شده تمرکز بیشتری بر سیاست‌های اقتصاد کلان و بخش مالی دارد، میان انتخاب‌های سیاستی پیش روی کشور کمتر اجبار به گزینه خاصی مطرح می‌شود، حق حاکمیت کشور بر برنامه‌های سیاستی خود بیشتر رعایت شده و لذا مجموعه برنامه اصلاحات و منابع تخصیص داده شده در کل موثرتر است.

مشخصه دیگر تسهیلات اعطایی صندوق، موقت بودن آنهاست. بنا به ماهیت وام، پرداخت آن بین ۶ ماه تا ۴ سال به طول می‌انجامد و دوره بازپرداخت نیز بین ۲ تا ۴ سال

برای تسهیلات کوتاه مدت، ۴ تا ۷ سال برای نوع میان مدت و ۱۰ سال برای تسهیلات رشد و کاهش فقر^۱ است که البته بازپرداخت وام مذکور پس از یک دوره ۵/۵ ساله تنفس آغاز می‌شود.

نرخ بهره وام‌ها براساس شرایط بازار تعیین شده و به منظور کنترل تقاضا یا برای متقاضیان تسهیلات تکمیل ذخایر، ممکن است هزینه بهره اضافی نیز به دریافت‌کنندگان وام‌های سنگین یا خاص حسب مورد تحمیل شود. اما تسهیلات رشد و کاهش فقر مشمول نرخ بهره ثابت ۰/۵ درصد در سال هستند.

۳-۳- کمک‌های فنی

سومین راهکار صندوق، کمک‌های فنی و آموزش دست‌اندرکاران بانک‌های مرکزی و دیگر سازمان‌های کشورهای عضو در زمینه‌های تخصصی است. شاید بتوان ادعا نمود بیشترین جنبه اثرگذار و عمومی صندوق همانا ارایه آموزش‌های منظم و ادواری به کارکنان دستگاه‌های سیاستی کشورهای عضو و طرح توصیه‌های راهبردی برای آنان است. حوزه‌های تحت پوشش آموزش دامنه وسیعی از وظایف سیاست‌گذاری (بانکداری مرکزی، سیاست‌های پولی و ارزی، سیاست مالیاتی و اداری) و به ویژه مجموعه آمار رسمی را دربرمی‌گیرد. هدف این است که دانش کشورها در طراحی و به‌کارگیری ابزارهای سیاستی عمق یافته و مهارت و مسئولیت‌پذیری سازمان‌های درگیر افزایش یابد. اخیراً صندوق این جنبه از کار خود را در مسیر تلاش برای تعمیق معماری نظام مالی بین‌المللی تغییر داده و آن را در چهار حوزه طبقه‌بندی نموده است:

۱- جهت آشنایی بیشتر با این نوع تسهیلات به ضمیمه یک رجوع شود.

• تعمیق بخشهای مالی و پولی از طریق ارایه توصیه‌هایی در باب نظارت، مقررات و تجدید ساختار بخش بانکی، مدیریت عملیات ارزی، سیستم‌های تسویه پرداخت‌ها، و توسعه ساختاری بانک‌های مرکزی؛

• حمایت قوی از مدیریت سیاست‌های مالیاتی از طریق ارایه توصیه‌های خاص برای اداره امور مالیاتی و گمرکی، بودجه‌ریزی، مدیریت مخارج، طراحی شبکه‌های تامین اجتماعی و به‌ویژه مدیریت بدهی‌های داخلی و خارجی؛

• استخراج، مدیریت و انتشار آمار و بهبود کیفیت داده‌ها؛ و بالاخره

• بازبینی و آماده‌سازی پیش‌نویس قوانین جدید اقتصادی و مالی.

بدین منظور صندوق دوره‌های آموزشی، همایش‌ها و کارگاه‌های تحقیقاتی متعددی در کلیه سطوح تخصصی و اجرایی برای کارکنان و مدیران سازمان‌ها و ارگانهای ذیربط در کشورها برگزار می‌کند. بخش عمده دوره‌ها در مقر این سازمان (واشنگتن دی.سی.) دادی از آنها در دفاتر منطقه‌ای (نظیر وین، سنگاپور و برازیلیا) برگزار می‌گردد.

اگرچه صندوق در این زمینه از فعالیت، سابقه طولانی (از اواسط دهه ۱۹۶۰) دارد، لیکن سنگین‌ترین و پراهمیت‌ترین اقدام آموزشی صندوق تاکنون به سال‌های دهه ۱۹۹۰ و فروپاشی بلوک شرق سابق برمی‌گردد. در این مقطع صندوق ناچار شد مساعدت‌های علمی و فنی گسترده‌ای را در اختیار روسیه، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و حوزه بالتیک قرار دهد تا کشورهای مذکور بتوانند نظام خزانه‌داری جدید و بانک مرکزی مستقل برای خود پی‌ریزی نمایند. هم‌اکنون حدود ۲۰ درصد از هزینه‌های اداری صندوق در این بخش هزینه می‌شود.

به عنوان تنها سازمان بین‌المللی که درگیر گفتگوی فعال با کلیه کشورها هم در حوزه سیاستی و هم در زمینه نحوه اجراءات، صندوق بین‌المللی پول چارچوب اصلی طرح دستاوردهای کشورها در زمینه اقتصاد جهانی و نقد آثار جانبی و ثانویه آثار کشورهای منفرد بر ثبات نظام پولی و مالی بین‌المللی را برعهده دارد. بدین لحاظ صندوق به انتخاب ترتیبات ارزی خاص، تثبیت جریان‌ات بین‌المللی سرمایه و طراحی و تدوین استانداردهای خاص بین‌المللی برای سازمان‌ها و حوزه‌های سیاستی فعال مبادرت ورزیده است. از آنجا که تعمیق نظام مالی بین‌المللی و تسریع مبارزه با فقر اهمیت خاصی برای نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد دارد، تلاش برای توزیع عادلانه و منطقی منافع جهانی شدن در میان کلیه کشورها هم اکنون بخشی از دغدغه‌های اصلی صندوق را تشکیل می‌دهد.

۴- چالش‌های پیش رو

انجام رضایت‌بخش وظایف پیش گفته شده در دنیای پرچالش و با شتاب در حال تغییر کنونی بسیار دشوار شده و سرعت تحول و تکامل نظام پولی بین‌الملل چنان بالاست که به رغم ظرفیت قابل توجه صندوق در همراهی با تحولات، احساس می‌شود لازم است این نهاد معتبر بین‌المللی همکاری نزدیک‌تری با اعضای خود برقرار کند؛ در ارایه توصیه‌های مشورتی اتکای بیشتری بر روش‌های متقاعد کننده و مجاب کننده داشته باشد؛ در تامین نیازهای مالی رویه‌های سهل‌تری در پیش گیرد و جایگاه قانونی قوی‌تری در نظم‌دهی به روند امور مالی بین‌المللی اتخاذ کند.

در مجموع جهانی‌سازی و تبعات آن مهمترین چالش کنونی پیش روی صندوق است. هم اکنون دوچالش مهم و دشوار عبارتند از چگونگی تعمیق بخشیدن به نظام مالی بین‌المللی (به نحوی که کمتر در معرض بحران قرار گیرد و در صورت مواجهه با

آن نیز سریعتر خود را از این شرایط خارج سازد) و طراحی راه‌حل‌های جدید و کارآمد برای مبارزه با فقر در سطح جهان. با توجه به عدم تقارن توزیع منافع و افزایش استانداردهای زندگی در میان کشورها، خطر افزایش شکاف میان دنیای غنی و کشورهای به شدت کم درآمد نیز به تدریج رخ نموده است.

اگرچه فرآیند جهانی سازی فرصت‌ها و منافع در قالب افزایش استانداردهای زندگی برای کلیه ساکنین کره زمین به ارمغان آورده، لیکن با شتاب گرفتن سرعت نقل و انتقال سرمایه و وجوه میان مرزها (به عنوان دومین جنبه و ویژگی عمده این پدیده) ریسک وقوع و سرایت بحران‌های مالی نیز افزایش قابل توجه و محسوسی یافته است. هرچند صندوق برنامه‌های خاصی (در قالب تسهیلات مالی) برای کاهش آثار بحران پس از وقوع کامل آن در دست دارد، لیکن اولویت آن است که بر اساس مجموعه علایم هشدار دهنده‌ای، بتوان در فرصت زمانی بقدر کافی طولانی جهت اعمال واکنش بازدارنده، بحران جدید را پیش‌بینی نمود. تنها در این صورت است که احتمال پدیده اثرسرایتی به حداقل تقلیل می‌یابد.

به منظور کاهش ریسک بحران‌های مالی، صندوق ضمن همکاری با دولت‌های عضو دیگر سازمان‌های موثر خصوصی و بین‌المللی بر تقویت و تعمیق پیکره قانونی، مقرراتی و چارچوب نظارت بر بانکها تاکید کرده، الزامات حداقل سرمایه بانکها و موسسات مالی را مورد بازبینی قرار داده، مجموعه‌ای از استانداردهای پایه‌ای حسابداری بین‌المللی را بسط و توسعه داده، مجموعه اصول هدایت شرکت‌های دولتی را نهایی نموده، به کشورها نسبت به انتخاب رژیم‌های ارزی مستعد حملات سفته‌بازانه هشدار داده و دسترسی آزادانه و رایگان به اطلاعات بازارهای مالی را تضمین نموده است. علاوه بر آن مجموعه اقدامات صندوق در آموزش و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی مورد

پذیرش عموم کشورها واقع شده و عملکرد رضایت‌بخشی داشته است. انتشار اطلاعات به روز و قابل اتکا از متغیرهای اصلی و وضعیت بازارها موجب گسترش شفافیت و پاسخگویی صندوق در مقابل تحولات مثبت و منفی کشوری و منطقه‌ای شده است. با توجه به اینکه بخش عمده جریان‌های مالی بین‌المللی دارای خاستگاه خصوصی است، کنترل نوسانات بدون هماهنگی با صاحبان منابع و نگاه‌های بزرگ خصوصی و چند ملیتی امکان‌پذیر نیست. لذا صندوق مجموعه گفتگوها و تبادل نظرهایی را بدین منظور با بدهکاران و طلبکاران اصلی آغاز کرده و به نظر می‌رسد تشکیل گروه مشاوره بازارهای سرمایه^۱ در سپتامبر ۲۰۰۰ اقدام مناسبی باشد. در چارچوب این گروه ارتباطات منظمی میان مدیران و کارشناسان ارشد صندوق با فعالین بازارهای سرمایه جهانی شکل گرفته که خود ارزیابی ریسک فعالیت‌های مالی در سطح جهانی را بسیار تسهیل کرده و به پیش‌بینی زود هنگام از وقایع آتی کمک نموده است.

۵- چارچوب مدیریتی صندوق بین‌المللی پول

در راس صندوق بین‌المللی پول هیات مدیره آن مرکب از مدیر عامل و تعدادی مدیر (۲۴ نفر) قرار دارند و عهده‌دار اصلی اداره امور این نهاد بین‌المللی هستند. مدیر عامل، ریاست هیات مدیره را نیز به عهده دارد. بر اساس اساسنامه، پنج کشور عضو دارای بالاترین سهمیه در صندوق، پنج مدیر و دو کشور نیز که در طول دو سال گذشته بزرگترین اعتبار دهنده به صندوق بوده‌اند هر کدام می‌توانند یک مدیر منصوب نمایند. ۱۵ مدیر نیز توسط سایر کشورها که در ۱۵ گروه مختلف تشکیل یافته‌اند، انتخاب می‌گردند. برای تشکیل گروهها ضابطه مدون و خاصی ذکر نگردیده لیکن

عواملی نظیر تجانس جغرافیایی، ملاحظات سیاسی و اقتصادی، ملیت و زبان دخیل بوده است.

در حال حاضر یکی از مهمترین عوامل در حفظ وضعیت و ثبات ساختار گروهها، مسیله چگونگی تقسیم شغلها، وظایف و مسئولیتها بین گروههاست؛ زیرا پس از تشکیل تعدادی از کشورها در قالب یک گروه و تقسیم کار، مسئولیتها و سمتها، مناسبات بین اعضاء گروه در صندوق تنظیم شده و کمتر کشوری تمایل به بهم خوردن تعادلی که محصول تلاشهای پیگیر سیاسی و دیپلماتیک است، از خود نشان می‌دهد. به همین دلیل و به‌رغم وجود تضادهای عمیق سیاسی و اقتصادی در مناسبات اعضاء، غالب گروه‌بندی‌ها در صندوق از ثبات و استحکام بالنسبه طولانی برخوردار بوده است. در حال حاضر نماینده ایران درصندوق، ریاست گروه ایران (متشکل از کشورهای ایران، پاکستان، افغانستان، الجزایر، غنا، مراکش و تونس) را برای سالیان متمادی به عهده دارد؛ درحقیقت عنوان مدیریت گروه از سپتامبر ۱۹۷۲ تاکنون در اختیار ایران بوده است. این گروه در سال ۲۰۰۳ با در اختیار داشتن ۵۳۲۴۷ حق رای (معادل ۲/۴۵ درصد از کل آرای صندوق) و ۵۱۴۹/۷ میلیون سهم SDR^۱، یکی از گروههای فعال صندوق بین‌المللی پول بوده است.

به لحاظ دستاوردهای فنی، کمیته پولی و مالی (IMFC)^۲ مهمترین کمیته صندوق بین‌المللی پول است. این کمیته با ۲۴ عضو، از سال ۱۹۹۹ جایگزین کمیته موقت صندوق در حوزه نظام پولی بین‌المللی شده و مسئولیت گزارش‌دهی و بازوی مشاوره‌ای هیئت نمایندگان را بر عهده دارد. موضوعات مورد توجه این کمیته را

۱- Special Drawing Right

۲-International Monetary & Financial Committee

زمینه‌های نظارت مدیریتی و انطباق نظام پولی و مالی بین‌المللی از طریق بررسی تحولات نقدینگی جهانی و انتقال منابع به کشورهای در حال توسعه، بررسی و اصلاح مواد اساسنامه و پیشنهاد مکانیزم‌های پیش‌بینی و کنترل اختلالات عمده تهدیدکننده سلامت نظام پولی بین‌المللی تشکیل می‌دهد. آقای گوردون براون رییس خزانه‌داری بریتانیا هم اکنون ریاست این کمیته را برعهده دارد. از دیگر کمیته‌های مشترک می‌توان به گروه پنج، گروه هفت، گروه هشت، گروه پانزده، گروه بیست، گروه هفتاد و هفت و کلپهای پاریس و لندن اشاره کرد.

۶- سیر تطور روابط جمهوری اسلامی ایران با صندوق بین‌المللی پول

عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در صندوق بین‌المللی پول مستند به قانون "اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس منعقد در برتون وودز" (مصوب ۱۳۲۴) است. ایران در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۵ با سهمیه ۲۵ میلیون دلاری به عضویت صندوق بین‌المللی پول درآمد و لذا در زمره اولین اعضای این موسسه مهم بین‌المللی قرار دارد. پس از ۱۲ دور افزایش سرمایه، هم اکنون سهمیه کشور نزد صندوق به ۱۴۹۷/۲ میلیون SDR رسیده است.

به لحاظ حقوق داخلی ارتباط ایران با صندوق بین‌المللی پول مبتنی بر قانون اجازه مشارکت سال ۱۳۲۴ و ماده ۱۵ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۱ است. طبق قوانین مذکور، رییس کل بانک مرکزی ایران نماینده دولت در صندوق بین‌المللی پول بوده و ارتباط دولت با صندوق از طریق بانک مرکزی ایران خواهد بود.

از منظر میزان همکاری‌ها و مشارکت، ایران از بدو عضویتش در صندوق تاکنون چهار مرحله را پشت سر گذاشته است. در مرحله اول (یعنی دوره بعد از جنگ جهانی

دوم) کاهش جریان تجارت خارجی، افت درآمد نفت و مشکلات ناشی از جنگ بین‌الملل، کمبود مواد غذایی و بالارفتن هزینه زندگی، دولت ایران را حائز شرایط اخذ کمک از صندوق نمود. اولین برداشت ایران از منابع عادی صندوق در نوامبر ۱۹۵۱ صورت گرفت. تا سال ۱۹۷۱ ایران مبلغ ۱۸۴/۲ میلیون SDR از صندوق وام دریافت کرد که کلیه وجوه مذکور تا سال ۱۹۷۳ بازپرداخت شد.

مرحله دوم روابط ایران با صندوق از سال ۱۹۷۴ یعنی پس از افزایش شدید بهای نفت در بازارهای جهانی و ایجاد مازاد قابل ملاحظه در حساب تراز پرداخت‌های کشورهای صادرکننده نفت آغاز شد. صندوق به منظور کمک و تعدیل کسری شدید تراز پرداخت‌های برخی از کشورها، اقدام به افتتاح خط اعتباری به نام تسهیلات نفتی نمود. منابع مالی این اعتبار به طور کلی توسط کشورهای صادرکننده نفت (از جمله ایران) و کشورهای صنعتی تامین شد. بدین منظور، دولت ایران در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ طی یک قرارداد و یک اعلام موافقت به طور جداگانه به ترتیب مبالغ ۵۸۰ و ۴۱۰ میلیون SDR به صندوق وام داد. اعتبار مذکور تا پایان سال ۱۹۷۶ کلاً به مصرف رسید و جمعاً ۱۹ کشور از وام ایران استفاده کردند. از مجموع ۹۹۰ میلیون SDR تسهیلات نفتی ایران، حدود ۶۷ درصد مورد استفاده کشورهای پیشرفته صنعتی و ۳۳ درصد مورد استفاده کشورهای در حال توسعه قرار گرفت.

مرحله سوم، دوره پیروزی انقلاب اسلامی و به حداقل رسیدن ارتباط ایران با سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول بود. در این دوره روابط ایران با صندوق منحصر به دریافت اطلاعات و گزارش‌های اقتصادی و احياناً معرفی برخی از کارشناسان بانک جهت شرکت در دوره‌های کارآموزی و یا همایش‌ها و انجام برخی امور جاری با صندوق بوده است. از جمله رویدادهای این دوره می‌توان به استفاده ایران از

ترانش ذخیره‌ای^۱ خود در صندوق اشاره نمود. ترانش مزبور به میزان ۷۰/۸ میلیون SDR (حدود ۹۶ میلیون دلار) در ۹ ژوئن ۱۹۸۸ در ازاء واریز ریال به حساب صندوق استفاده شد.

نقطه آغاز مرحله چهارم، اعزام اولین گروه از کارشناسان اقتصادی صندوق جهت مشاوره اقتصادی پس از دوازده سال به ایران در فوریه ۱۹۹۰ است. پس از آن ایران همواره روابط مناسبی با این نهاد موثر و معتبر بین‌المللی داشته است. هم‌اکنون ایران از سهمیه‌ای معادل ۱۴۹۷/۲ میلیون SDR نزد صندوق برخوردار است.

۷- جمع‌بندی مباحث

با عنایت به نقش صندوق در حفظ سلامت نظام مالی بین‌المللی و تلاش در تعدیل و بهبود این نظام، ایران همواره سعی نموده ضمن رعایت مصالح و اصول داخلی خود، فرآیند تولید داده‌های آماری را منطبق بر استانداردهای طراحی شده توسط این نهاد معتبر بین‌المللی پیش برد. با آن که قریب به ۶۰ درصد سهام صندوق بین‌المللی پول (و به تبع آن اکثریت آرا) در اختیار کشورهای صنعتی است، لیکن این اعتقاد وجود دارد که عضویت فعال و سازنده کشورهای در حال توسعه در این سازمان اقتصادی بسیار مهم جهان می‌تواند تا حد زیادی بر تصمیمات و رفتارهای اقتصاد جهانی تاثیر گذارد و از طریق مشارکت فعالانه و سازنده در این سازمان، کشورهای در حال توسعه نه تنها در معرض آخرین اطلاعات اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های مهم پولی و مالی جهان قرار می‌گیرند، بلکه با هماهنگ کردن مواضع و استفاده از قدرت آرای خود تصمیمات را

۱ - ترانش ذخیره‌ای Reserve Tranche Position بخشی از ذخایر خارجی اعضای صندوق بین‌المللی پول است که نزد این نهاد سپرده می‌شود و در صورت نیاز (مثلاً در مواقع بروز بحران ترازپرداخت‌ها) قابل برداشت است. ترانش ذخیره هر کشور معادل تفاضل سهمیه کشور نزد صندوق و میزان پول ملی نگهداری شده آن است.

حتی‌المقدور در جهت تامین نیازها و منافع خود سوق می‌دهند. اگرچه برخی از کشورهای در حال توسعه متقاضی اصلی اخذ وام و استفاده از امکانات مالی صندوق هستند، و لذا ملزم به رعایت سیاست‌های صندوق نیز می‌باشند؛ لیکن پیش از آن که صندوق یک سازمان وام دهنده باشد، کانون مهم تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی است که حضور فعال در آن برای کشورهایی که بخواهند از تحولات مالی بین‌المللی بی‌اطلاع نمانند و در جریان تصمیم‌گیری‌ها مشارکت سازنده داشته باشند، حیاتی است.

از جمله خواسته‌های بسیار مهم کشورهای در حال توسعه، در اختیار داشتن فرصت‌های بحث و تبادل نظر در مورد مسایل اقتصادی و برنامه‌های اصلاحات اقتصادی با کارشناسان صندوق است. این مسیله تا حد زیادی هم به صندوق و هم به خود کشور در اتخاذ سیاست‌های مناسب و کم هزینه اقتصادی کمک می‌نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران به خوبی آگاه است که برخورد انفعالی با موسسات بین‌المللی نتیجه مثبتی نخواهد شد. در حالی که فعال بودن در این موسسات و پیروی از سیاست برخورد آگاهانه با مسایل بین‌المللی و بهره‌برداری مناسب از آنها می‌تواند در میان مدت زمینه‌های لازم برای توسعه اقتصادی را بهتر فراهم سازد. بر همین اساس بانک مرکزی همه ساله پذیرای چندین هیئت تخصصی از زبده‌ترین کارشناسان صندوق بوده (حداقل ۳۰ هیات از سال ۱۹۹۹) و در مقابل، بخشی از کارکنان بانک که در حوزه‌های خاص فعالیت می‌کنند، توسط این نهاد بین‌المللی آموزش می‌بینند.

نگاهی به گزارش‌های تهیه شده توسط هیات‌های صندوق که معمولاً پس از موافقت مقامات کشور در سایت رسمی این نهاد انتشار می‌یابد، همگی موید آن است که صندوق برخی توصیه‌های سیاستی کلی و عمومی را به دست‌اندرکاران ارشد اقتصاد

کشور ارایه کرده که پیش از آن جزو دانسته‌های مقامات و کارشناسان اقتصادی قرار داشته است. مهمترین نکات مورد توجه صندوق در سال‌های اخیر را می‌توان در تشخیص و تعیین مصادیق نقض نظام تک‌نرخ ارز به منظور حفظ کارکردهای این استراتژی، فشار تقاضای کل بالا بر نرخ تورم و لزوم کنترل آن با ابزارهای موثر، شکاف بودجه و چگونگی تامین مالی آن، وابستگی اقتصاد ایران به نفت و به تبع آن حساسیت متغیرهای عمده و پیشرو نسبت به تحولات بازار جهانی حامل‌های انرژی، روند رو به تنزل مازاد حساب جاری تراز پرداخت‌ها و مخاطرات آن نام برد. علاوه بر آن محور مشترک تمامی گزارش‌های کارشناسان صندوق درباره تحولات میان مدت اقتصاد ایران را لزوم اصلاح پارانه‌های انرژی و هدفمند نمودن شیوه توزیع یارانه‌ها، پی‌ریزی نظام مالیات بر ارزش افزوده، اصلاح بازار کار به نحوی که ظرفیت ایجاد فرصت‌های شغلی بالاتری پدید آید و مسایل ساختاری دیگر تشکیل می‌دهد. همانگونه که از سرفصل‌های مذکور برمی‌آید، هیچیک از صاحب‌نظران و کارشناسان مستقل اقتصاد ایران نسبت به اولویت یا اهمیت پرداختن به این مسایل بی‌اعتنا نیست. بنابراین نگرانی محافل سیاسی و برخی مفسرین اقتصادی که گاه و بیگاه نسبت به حضور هیات‌های کارشناسی صندوق و یا شرکت مقامات کشور در اجلاس‌های بهار و پاییزه ابراز می‌شود، تاحدی ناشی از عدم شناخت نوع روابط و تاثیر مشاوره‌ها بر جهت‌گیری‌های سیاستی کشور است. سیاست‌گذاران اقتصاد کلان کشور برنامه‌های توسعه و اصلاح ساختاری خود را حسب ویژگی‌ها و خصوصیات بومی اقتصاد ایران تنظیم می‌کنند و در این زمینه، جز واقعیت‌های بیرونی و روند عمومی اقتصاد جهانی دچار هیچ فشاری نیستند. حداقل تا زمانی که ایران به دلیلی به جرگه دریافت‌کنندگان اعتبار نیبوند، توصیه‌های صندوق

در حد یک راهکار اختیاری برای اقتصاد ایران باقی خواهد ماند و هیچگونه تحمیلی در میان نخواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی